

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه ملک

استاد ضرابی دی - بهمن-اسفند ۱۴۰۰

جلسه هشتم ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

آیات شریفه: « وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸) أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹) أَمْ مَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰) أَمْ مَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱) - و پیش از آنان [نیز] کسانی به تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود (۱۸) آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته اند [که گاه] بال می گسترند و [گاه] بال می آندد جز خدای رحمان [کسی] آنها را نگاه نمی دارد او به هر چیزی بیناست (۱۹) یا آن کسی که خود برای شما [چون] سپاهی است که یاریتان می کند جز خدای رحمان کیست کافران جز گرفتار فریب نیستند (۲۰) یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] باز دارد [نه] بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند (۲۱) »

عنوان: دل ندارد که ندارد بخداوند اقرار!

« وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ » تکذیب منشأ نور و حیات و روی برگرداندن از آن، چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد جز محرومیت و حسرت و عذاب؟ تکذیب در اصطلاح قرآن و روایات، در برابر تصدیق (ایمان) و به معنای انکار حقایقی مانند خداوند، پیامبر، امام و روز قیامت است و به‌طور کلی مکذب کسی است که حق را تکذیب کند. از جمله کارهای بزرگ و مهم همه اقوام هلاک شده، به طور عموم، دروغ‌پنداری یا تکذیب پیامبران و پیام‌ان‌ها بوده است. علت هلاکت اکثر اقوام را تکذیب پیامبر معرفی می‌نماید؛ از جمله سوره قمر آیه ۲۳ می‌فرماید: «کذبت ثمود بالنذر - قوم ثمود (امت صالح) نیز بیم‌دهندگان و هشدارهای ما را تکذیب نمودند».

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

تکذیب خدا و پیامبر یا کلام ایشان، عمدتاً با دو روش صورت می گیرد به صورت انکار رسمی و علنی و زبانی؛ که گاه در حد ستیز و کشتن پیامبران و انمه نیز صورت گرفته است؛ و به صورت انکار علمی و ضمنی؛ که با انجام گناه و ترک عمل به گفته پیامبر، در حقیقت به تکذیب و انکار و عذاب منتهی شده اند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ- سپس عاقبت کسانی که کارهای زشت انجام دادند این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را مسخره می کردند.» (روم/ آیه ۱۰)

تعبیر « فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ » [ببین] مجازات من چگونه بود! اشاره به عواقب دنیایی و اخروی تکذیب دارد، عواقب دنیایی مانند: گمراهی: « وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومٌ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ... » (انعام/ ۳۹) خداوند تکذیب کنندگان آیات الهی را مجازات کرده، آنان را گمراه می کند یعنی از شنیدن و استجابات کلام حق، ناشنوا و از گفتن کلام حق و شهادت به توحید و رسالت، لال می کند و آنان را در تاریکی هایی قرار می دهد که حقایق را نمی بینند». یکی دیگر از نتایج دنیایی تکذیب، استدراج و امهال است « فَذَرْنِي وَ مَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ - خداوند درباره مکذبان وعده داده است که به زودی و ناخودآگاه آنان را دچار استدراج می کند (و به آن ها مهلت خواهد داد تا بر گناهان خود بیفزایند) تا در ورطه هلاکت افتند » (قلم/ ۴۴) اما پیامدهای اخروی گناه تکذیب (،) یکی حبط اعمال است: « وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ » (اعراف/ ۱۴۷) ، زیرا اعمال خود را مطابق دستور انجام نداده اند». از جمله دیگر پیامدهای تکذیب، حسرت بی پایان است: « قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتُنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ- آنها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند؛ (و این تکذیب، ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت! » (انعام/ ۳۱)

یکی دیگر از پیامدهای تکذیب در آخرت چشیدن عذاب است: «و قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ- و گویند: عذاب آتشی را که (در دنیا) تکذیب می‌کردید اینک بچشید» (سجده/۲۰) مهم‌تر از خود عذاب برای جهنمیان، خلود است. یعنی آنان در آتش جهنم دائماً خواهند ماند. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ- و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما کردند اهل دوزخند و در آتش آن همیشه معذب خواهند بود» (بقره/۳۹)

زاقوام دیگر همه منکران
 نمودند تکذیب پیغمبران
 که تا راستین وعده‌های عذاب
 برایشان مسجل بشد بر عقاب

« أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ » خداوند مهربان بعد از بازگو کردن عواقب تکذیب، برای نشان دادن درمان این بیماری مهلک با تجلیات اسم بصیر خود، حس‌ها و جان‌ها را متوجه پرواز پرندگانی می‌کند که بر فراز آسمان، بال‌های خود را می‌گشایند و می‌بندند؛ چرا که هر انسانی اگر این احوال را دریابد بالحسّ و العیان و به روشنی چشمش این حقیقت را خواهد دید که هیچ پرنده‌ای قدرت بر نگه داشتن خود بر بلندای آسمان را ندارد مگر به اتکای خواصی که خداوند رحمان به بالهای او بخشیده و قابلیت‌هایی که به بدن او عطا فرموده است؛ در مقابل دیگر موجوداتی که از این عطیه الهی برخوردار نیستند، نمی‌توانند خود را حتی چند قدمی، از زمین جدا کنند. اساساً تمامی عطایایی که بعضی موجودات را از دیگر موجودات، اینچنین جدا می‌کند، به نحوی که خود بنده می‌تواند ببیند که نقشی در ایجاد آن نداشته است و اگر آن نعمت الهی را نداشت، قادر به حفظ حیات خود نبود، چشم بصیرت انسان را به حقیقت توحید، باز می‌کند. و شایسته است که این چشم وحدت بین همیشه در کنار چشم دیگر انسان که نقش موجودات کثیری را در زندگی خود مؤثر می‌بیند، با هم باز باشد؛ تا در همه چیز او را، و او را در همه چیز ببیند.

حق اند روی ز پیدائست پنهان
 برو از بهر او چشم دگر جوی

جهان جمله فروغ نور حق دان
 خرد را نیست تاب نور آن روی

« أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ - آیا کافران می‌پندارند آنچه آنها را یاری می‌کند (نیرو و لشکر آنها محسوب می‌شود) غیر از خداوند رحمن کس دیگری است؟ کافران تنها گرفتار فریبند! ».

تمام خطاها از اینجا ناشی می‌شود که نیرو و قدرتی غیر خدا دیده می‌شود. پیام همه شمول این آیه به همه انسان‌ها می‌گوید تا زمانی که قدرتی غیر خدا می‌بینید، گرفتار حجاب کفر هستید. و برای بیرون آمدن از آن تمرینات عملی و دائمی نیاز دارید. تا دیده حق بین شما گشوده شود.

دیده ای خواهم که باشد شه شناس تا شناسد شاه را در هر لباس

در حدیثی از امام امیرمؤمنان (ع) می‌خوانیم: «سکر الغفلة و الغرور ابعد افافة من سکر الخمر! - مستی غفلت و غرور از مستی شراب طولانی تر است» (غرر الحکم ، ۵۶۵۱) امام بزرگوار در تعبیر زیبایی دیگری در باره گروهی از منحرفان می‌فرماید: «زرعوا الفجور و سقوه الغرور و حصدوا الثبور - آنها بذر فجور و گناه را افشاندند و با آب غرور و فریب آن را آبیاری کردند و محصول آن را که بدبختی و هلاکت بود درو کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۲)

ایدل تو بهر خیال مغرور مشو پروانه صفت کشته هر نور مشو
تا خود بینی، تو از خدا مانی دور نزدیکتر آی و از خدا دور مشو

« أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ - یا اگر [خدا] روزیش را بازدارد کیست آن کس که شما را روزی دهد؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می‌ورزند.»

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌خوانیم: «الْخَيْرُ عَادَةُ وَالشَّرُّ لَجَاجَةٌ - خوبی سبب می‌شود که انسان به کار خیر عادت کند و انجام کارهای بد ناشی از لجاجت است.» (شرف المصطفی، ج ۵، ص ۱۸۰)

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان می‌خوانیم: «اللَّجَاجُ بَذْرُ الشَّرِّ - لجاجت بذر بدی هاست.» (غرر الحکم ، ۳۵۹) در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: «اللَّجَاجُ أَكْثَرُ الْأَشْيَاءِ مَضَرَّةً فِي الْعَاجِلِ وَالْأَجَلِ - لجاجت زیان بارترین اشیا در دنیا و آخرت است.» (غرر الحکم ، ۲۱۷۳) در حدیث دیگری لجاجت به مرکب چموشی تشبیه شده که انسان بر آن سوار می‌شود؛ امام امیرمؤمنان می‌فرماید: «لَا مَرْكَبَ أَجْمَحَ مِنَ اللَّجَاجِ - هیچ مرکبی سرکش تر و چموش تر از مرکب لجاجت نیست.»

(غرر الحکم ، ۱۰۷۳۷) این احادیث را با حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پایان می‌دهیم که فرمود: «إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوَّلَهَا جَهْلٌ وَآخِرَهَا نَدَامَةٌ - از لجاجت پرهیز که آغازش نادانی و سرانجامش پشیمانی است» (تحف العقول ، ۱۴)

فقر ذاتی انسان، او را به سوی خدا می کشاند و او خداوند را می خواند. اما اگر احساس نیاز، نباشد یا از سر لجابت حق را انکار کند و خدا را نخواند، خداوند متعال هم به او توجهی نخواهد کرد، مانند بیماری که احساس درد و رنج نکند و به پزشک مراجعه ننماید، چنین بیماری درمان نخواهد شد. انسان اگر بخواهد به کمال برسد، لازمه اش تلاش و کوشش و انگیزه ای قوی در وجود اوست، علاوه بر شناختن مقام ربوبی و باور یقینی به توحید، باید احساس نیاز کرد و تلاش نمود و گرنه انسان گمراه، بدون اینکه از مبدأ قدرت مطلق الهی یاری بگیرد، و از سر لجابت پشت به ولی نعمت خود و هدایت و شریعت نجات بخش او کند، البته راه به جایی نخواهد برد. چنین انسانی روی آرامش واقعی را نخواهد دید و از همه برکات روحی، اجتماعی، تربیتی و معنوی، محروم خواهد ماند. رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «الْفَقْرُ فَخْرٌ وَ بِهِ افْتَخِرُ- نیاز من به خداوند مایه افتخار من است و به آن می بالم» (جامع الاخبار، ص ۱۱۱)

حضرت رسول (ص) در دعا‌های خود از خداوند متعال درخواست می نمود که: «اللَّهُمَّ احْنِنِي مِسْكِيناً وَ امْتِنِي مِسْكِيناً وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ- پروردگار! مرا همواره نیازمند به خود زنده دار و این گونه بمیران و در روز قیامت در زمره نیازمندان محشور گردان!» (عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۹) امام صادق (ع) فرمود: «روزی فرشته ای از سوی خداوند متعال به نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید: اگر دوست داری، سنگریزه های بیابان مکه را برایت به طلا و جواهرات تبدیل کنم! آن گرامی سرش را بلند کرد و عرضه داشت: «یا رَبِّ لَا، وَ لَكِنْ اشْبَعُ يَوْماً وَ اجُوعُ يَوْماً، فَإِذَا شَبَعْتُ حَمْدُكَ وَ شَكَرْتُكَ وَ إِذَا جُعْتُ دَعَوْتُكَ وَ ذَكَرْتُكَ-خداوندا! نه؛ بی نیازی از تو را در دنیا نمی خواهم ولی روزی سیرم و روز بعد گرسنه ام، هنگام سیری، حمد و ثنای تو گویم و در هنگام گرسنگی، تو را یاد می کنم» (امالی شیخ طوسی، ص ۶۹۳)

مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندرا راه عشق دوست را با ناله شبهای بیداران خوشست
تا مگر همچو صبا باز به کوی تو رسم حاصلم دوش بجز ناله شبگیر نبود

وصلی الله علی محمد وآله